

آرش مطلب زاده-اصفهان

در بیت دارای ایهام می توان با هر دو معنای واژه، بیت را معنا کرد و به عبارتی هر دو معنای واژه را در بیت گنجانده اما در ایهام تناسب ، بیت را با یک مورد از دو معنا می توان معنا کرد و در عوض معنای دیگر واژه با برخی کلمات دیگر آن بیت تناسب و مراعات النظیر دارد.

۱- بی مهر رخت روز مرانور نمانده است وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده است

مهر: ایهام: ۱- مهربانی و عشق و محبت ۲- خورشید // معنی بیت با معنای دوم واژه مهر (خورشید): بدون خورشید روی تو، روز من سیاه است و نور ندارد.

۲- خانه زندان است و تنهایی ضلال هر که چون سعدی گلستانیش نیست

گلستان: ایهام دارد ۱- باغ و بوستان ۲- کتاب گلستان --- نکته: با هر دو معنای واژه ی گلستان می توانیم بیت را معنا کنیم.

۳- ای دمت عیسی دم ازدوری مزن من غلام آن که دوراندیش نیست

دوراندیش: ایهام: ۱- آینده نگر ۲- آن که به دوری از معشوق می اندیشد.

۴- هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید در رهگذار باد نگهبان لاله بود.

لاله: ایهام دارد: ۱- گل لاله ۲- نوعی چراغ (چراغهای قدیم به شکل لاله)

۵- جان ریخته شد با تو آمیخته شد با تو چون بوی تو دارد جان ، جان را هله بنوازم

بو: ایهام: ۱- رایحه و بو ۲- امید و آرزو

۶- نرگس مست نوازشگر مردم دارش خون عاشق به قدح گر بخورد نوشش باد

مردم دار: ایهام: ۱- دارای مردمک ۲- آنکه با مردم خوش رفتار است. در ضمن نرگس استعاره مصرحه از چشم است.

۷- ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما

مدام: ایهام: ۱- همیشگی و پیوسته ۲- شراب

۸- چشمه ی خورشید تویی سایه گه بید منم چون که زدی بر سر من پست و گدازنده شدم

زدی: ایهام: ۱- طلوع کردی ۲- ضربه زدی در ضمن در معنی اول یعنی طلوع کردن یعنی وقتی که توای خورشید طلوع کردی

۹- چشم چپ خویشتن بر آرم تا روی نبیندت به جز راست

راست: ایهام: ۱- راستی و حقیقت ۲- چشم راست

۱۰- میان گریه می خندم که چون شمع اندرین مجلس زبان آتشینم هست لیکن در نمی گیرد

زبان آتشین: ایهام ۱- زبان و شعله آتش ۲- زبان گرم و گیرا // در نمی گیرد: ایهام: ۱- روشن نمی شود ۲- اثر نمی کند

۱۱- دیدم و آن چشم دل سیه که تو داری جانب هیچ آشنا نگاه ندارد

دل سیه: ایهام ۱- نقطه سیاه وسط چشم و مردمک ۲- نامهربان و سنگ دل // نگاه ندارد: ۱- نگاه نمی کند ۲- نگهداری و حمایت نمی کند .

۱۲- کیست حافظ تا ننوشد باده (شراب) بی آواز رود عاشق مسکین چرا چندین تجمل بایش

رود: ایهام ۱- رودخانه ۲- نام سازی که به آن عود و بریط هم می گویند (نکته ی مهم

۱۳- او سیر نمی خورد

سیر: ایهام ۱- گیاه سیر ۲- اشباع شدن

۱۴- اینجا خانه ی مراد است .

مراد:ایهام ۱- شخصی به نام مراد ۲- مقصود وهدف

۱۵- به خوابگاه عدم گر هزارسال بخسبم به خواب عافیت آن گه به بوی موی تو باشم

بوی: ایهام ۱- رایحه ۲- آرزو

۱۶- درسخن مخفی شدم مانند بو در برگ گل هر که خواهد دیدنم گودرسخن بیند مرا

مخفی:ایهام: ۱- نام شاعری ۲- پنهان درضمن سال ۹۸ این بیت البته نه برای ایهام بلکه برای معنا درکنکور آمده بود.

۱۷- اشکم ولی به پای عزیزان چکیده ام خارم ولی به سایه ی گل آرمیده ام

سایه "ایهام ۱- سایه ۲- لطف و عنایت

۱۸- شعرروسفید من روسیاه ماند/که درفضای توبه بی وزنی افتاد

بی وزنی:ایهام: ۱- بی ارزش ۲- بدون وزن ( چون شعرسفید وزن ندارد).

۱۹- چنان سایه گسترد برعالمی که زالی نیندیشد از رستمی

زال: ایهام تناسب ۱- پیرزن سفیدموی مدنظر است وباین معنا دربیت آمده ۲- پدررستم که دراین معنا با رستم تناسب ومراعات دارد

۲۰- خانه پرگندم و یک جو نفرستاده به گور....

جو: ایهام تناسب ۱- کم: دراین معنا مدنظر است ۲- گیاه جو که دراین معنا که مدنظرنیست با گندم تناسب دارد.

۲۱- همه ی شب های رمضان راقدر بانیم.

قدر: ایهام تناسب ۱- باارزش که این معنا مدنظر ۲- شب قدر که دراین معنا با شب ورمضان تناسب ومراعات النظیر دارد.

۲۲- همچو چنگ سر تسلیم وارادت درپیش توبه هر ضرب که خواهی بزن وبنوازم

ضرب ایهام تناسب: ۱- ضربه : مدنظر ۲- یکی ازآلات موسیقی یاهمان تنبک که با چنگ وبنواز تناسب دارد.

۲۳- هنربیاروزبان آوری مکن سعدی چه حاجت است که گوید شکر که شیرینم

شکر: ایهام تناسب ۱- نام ماده ای که شربت درست می کنیم باآن ومدنظر است. ۲- نام معشوقه خسروپرویز غیراز شیرین که باشیرین

تناسب داردوتناسب اصلی ،تناسب دومی است.

۲۴- ازاسب پیاده شو بر نطع زمین نه رخ زیرپی پیلش بین شهمات شده نعمان

کلمات مشخص شده ایهام تناسب دارند جداگانه؛ این کلمات درمعنی اصلی خودشان فیل -رخ- اسب- مات مدنظرند ودرمعنی

مهره ی شطرنج هرکدام با سایر کلمه های مشخص شده به طور جداگانه ایهام تناسب دارند. ضمنا تلمیح دارد به اینکه خسروپرویز

شخصی بنام نعمان بن منذر را زیر پای فیلان انداخت و له کرد.

۲۵- مدامم مست می دارد نسیم جعد گیسویت خرابم می کند هر دم فریب چشم جادویت

مدام : ایهام تناسب: ۱- پیوسته وهمیشه که مدنظر است ۲- شراب که مد نظر نیست و دراین معنا با مست تناسب دارد.

نکته: بیت های سعدی وحافظ که ایهام تناسب دارند درست است که یک معنا مدنظر است ودیگری مد نظرنیست اما طوری گفته

شده که این واژه درهر دو معنا با برخی دیگر کلمات تناسب دارد ولی فقط یکی ازدو معنا به بیت می خورد.

- ۲۶- روی خوبت آیتی از لطف برما کشف کرد  
آیت: ایهام تناسب ۱- نشانه خداوند که در این معنا مدنظر ۲- بخشی از قران که در این معنا که مدنظر نیست با تفسیر تناسب دارد.
- ۲۷- زهره سازی خوش نمی سازد مگر عودش بسوخت  
کس ندارد ذوق مستی می گساران را چه شد  
عود: ایهام تناسب ۱- نام سازی که رود و بربط هم به آن می گویند و آلت موسیقی است که مدنظر است ۲- چوب سوختنی که در این معنا با بسوخت تناسب دارد.
- ۲۸- گرهزار است بلبل این باغ  
همه را نغمه و ترانه یکی است  
هزار: ایهام تناسب ۱- عدد ۱۰۰۰ که مدنظر است ۲- معنی بلبل دارد که این معنا مد نظر نیست و با بلبل و نغمه و ترانه تناسب دارد.
- ۲۹- چون رایت عشق آن جهان گیر  
شد چون مه لیلی آسمان گیر  
لیلی: ایهام تناسب ۱- لیلی نام معشوقه و مدنظر ۲- معنای شب که در این معنا با آسمان و ماه تناسب دارد.
- ۳۰- فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ  
بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ  
سهم: ایهام تناسب ۱- ترس که این معنی مدنظر است ۲- تیر که در این معنا با جنگ تناسب دارد.
- ۳۱- درفشان لاله دروی چون چراغی  
ولیک ازدود او بر جانش داغی  
داغ: ایهام ۱- ماتم ۲- داغ و سیاهی (مثل داغ و نشانه ای که روی اسب و حیوانات می گذاشتند).
- ۳۲- آمدسوی کعبه سینه پر جوش  
چون کعبه نهاد حلقه بر گوش  
حلقه: ایهام ۱- حلقه در خانه خدا ۲- حلقه گوش غلامان
- ۳۳- دلم از واسطه ی دوری دلبر بگداخت  
مهر: ایهام ۱- مهربانی ۲- خورشید  
جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت
- ۳۴- چه شب است یارب امشب که ستاره ای بر آمد  
که دگر نه عشق خورشید ونه مهر ماه دارم  
مهر: ایهام تناسب ۱- محبت و مهربانی و مدنظر ۲- خورشید- که در این معنا که مدنظر نیست با ستاره و ماه و خورشید تناسب دارد.
- ۳۵- ما قصه ی سکندر و دارا خوانده ایم  
از ما به جز حکایت مهر و وفا می پرس  
مهر: ایهام ۱- مهربانی ۲- نام عاشق یا معشوقی است (مهر و وفا مثل لیلی و مجنون بودند)
- ۳۶- عهد کردی که کشتی فرصت خود راروزی  
فرصت اریافتی آن عهد فراموش مکن  
فرصت اول و دوم: ایهام دارد ۱- زمان ۲- نام شاعری است ولی فرصت دوم پذیرفتنی تراست برای ایهام // عهد دوم: ایهام ۱- زمان ۲- پیمان
- ۳۷- چون جام شفق موج زند خون به دل من  
دور از تو: ایهام ۱- دور از جان تو ۲- بخاطر دوری از تو  
با این همه دور از تو مرا چهره ی زردی است
- ۳۸- می خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب  
چون نیک بنگری همه تزویر می کنند  
حافظ: ایهام: ۱- خود حافظ ۲- حافظ قران نکته: چون هر دو معنا به بیت می خورد و با هر دو معنا بیت معنی می شود حق نداریم بگویم در معنی حافظ قران با مفتی و شیخ تناسب دارد و در نتیجه ایهام تناسب.
- ۳۹- خسرو در شهناز شوری به پا کرده بود.  
شور: ایهام تناسب ۱- شور و غوغا و مدنظر ۲- یکی از دستگاه های موسیقی که در این معنا به بیت نمی خورد و با شهناز که جزئی از موسیقی است تناسب دارد.

- ۴۰- دی می شد وگفتم صنما عهد به جای آر  
گفتا غلطی خواجه دراین عهد وفا نیست
- عهد (دوم) ایهام : ۱- زمان ۲- پیمان وقرار  
۴۱- ماهم این هفته برون است وبه چشمم سالی است  
ماه: ایهام تناسب ۱- استعاره از معشوق ومدنظر ۲- برج ویک دوازدهم سال که معنایش به بیت نمی خوردوباهفته وسال تناسب دارد.
- ۴۲- لب ودندان سنایی همه توحید توگوید  
مگر: ایهام ۱- شاید ۲- به امیدآن که  
مگر ازآتش دوزخ بودش روی رهایی  
روی: ایهام تناسب ۱- امکان که این معنی مدنظر است ۲- چهره که دراین معنی با لب ودندان  
تناسب دارد ضمنا لب ودندان مجاز از همه ی وجود.
- ۴۳ به مجمعی که درآیند شاهدان دوعالم  
نظریه سوی تو دارم غلام روی تو باشم  
شاهدان: ایهام ۱- زیباروومعشوق ۲- بیننده ومشاهده کننده  
۴۴- گفتم غم تودارم گفتا غمت سرآید  
برآید : ایهام ۱- امکان داشته باشد ۲- طلوع کند وبالا بیاید.
- ۴۵- گویند روی سرخ توسعدی که زرد کرد  
اکسیر عشق بر مسم افتاد وزرشدم  
روی: ایهام تناسب: ۱- چهره مدنظر ۲- فلز روی که با مس واکسیر تناسب دارد.
- ۴۶- ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد  
چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد  
نگران : ایهام ۱- ناراحت ۲- نگاه کننده از ریشه ی فعلی نگریستن ونگاه کردن
- ۴۷- بریزید درکیسه های لغت وزبان فارسی، مبحث حروف اضافه را  
حروف اضافه : ایهام تناسب ۱- حرف بی ارزش که مدنظر  
است ۲- حروف اضافه ی ادبیات که دراین معنا با لغت زبان فارسی تناسب دارد.
- ۴۸- بگفتا عشق شیرین برتوچون است  
بگفت از جان شیرینم فزون است  
شیرین: ایهام : ۱- مزه ی شیرین+ عزیزودوست داشتنی ۲- نام معشوقه
- ۴۹- عرضه کردم دوجهان بردل کار افتاده  
باقی: ایهام ۱- جاودان وهمیشگی ۲- بقیه  
به جزا ز مهر تو باقی همه فانی دانست  
هردومعنا به بیت می خورد.
- ۵۰- چوشبم افتاده بدم پیش آفتاب  
مهرم به جان رسید وبه عیوق برشدم (عیوق ستاره ای درسمت راست آسمان)  
مهر: ایهام تناسب ۱- مهربانی ومدنظر است ۲- خورشید که دراین معنا تناسب با آفتاب وعیوق دارد ومعنایش مدنظر نیست.
- ۵۱- نگران با من استاده سحر.....  
نگران: ایهام دارد ۱- ناراحت ۲- نگاه کننده
- ۵۲- بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود  
زین سیل دمام که درمنزل خواب است  
سیل دمام: ایهام ۱: - حوادث ۲- اشک  
منزل خواب : ایهام ۱- چشم ۲- دنیا
- ۵۳- هنگام وداع تو زبس گریه که کردم  
دورارخ تو : ایهام ۱- دورارخ توباد ۲- به خاطر دوری تو  
دورارخ تو زبس گریه که کردم
- ۵۴- تا چند همچوشمع زبان آوری  
پروانه ی مرا درسید ای محب خموش

پروانه : ایهام تناسب ۱- اجازه (مثل پروانه ی ساختمان) ۲- نام حشره ی کوچک ۲ که در این معنا با شمع تناسب دارد.

۵۵- راه دل عشاق زدن چشم خماری پیداست از این شیوه که مست است شرابت

راه زدن : ایهام ۱- راه زنی و دزدی ۲ - یکی از اصطلاحات موسیقی

۵۶- غرق خون بود ونمی مرد ز حسرت فرهاد خواندم افسانه ی شیرین وبه خوابش کردم

شیرین: ایهام ۱-: نام معشوقه ۲- زیبا وخوش

۵۷- کنار تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

کنار: ایهام تناسب ۱- پهلو مدنظر است ۲- در معنای ساحل با لنگر تناسب دارد.

۵۸- امید هست که روی ملال در نکشد از این سخن که گلستان نه جای دل تنگی است

گلستان: ایهام ۱- باغ ۲- نام کتاب سعدی

۵۹- لب تو نقل حیاتم بر کام جان انداخت به خنده ی نمکین، شور در جهان انداخت

شور: ایهام تناسب ۱- غوغا و این معنا مدنظر ۲- مزه شوری که در این معنا با نمکین تناسب دارد.

۶۰- ..تاریخ...از روستاهای جنوب رابه یاد خواهد آورد/ که معرکه خوانده می شود ./ روستایی که به صدرش با سینه اش/ از شرافت خاک و کرامت انسان بودن دفاع کرد .

معرکه : ایهام ۱- کارزار و میدان جنگ ۲- نام روستایی صدر: ایهام ۱- سینه ۲- امام موسی صدر (نام شخصی در لبنان) .

۶۱- جولقی ای سر برهنه می گذشت با سری بی مو چوپشت طاس و تشت

طاس: ایهام تناسب ۱- نوعی ظرف که این معنا مدنظر است ۲- بی مو که در این معنا با واژه ی سر و بی مو تناسب دارد.

۶۲- دید پروغن دکان و جامه چرب بر سرش زد گشت طوطی کل ز ضرب

کل: ایهام ۱- کچل ۲- گنگ و لال

۶۳- گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد بدانی هم اوت ره بر آید

بو: ایهام ۱- رایحه ۲- آرزو و علاقه

۶۴- جای خنده است سخن گفتن شیرین پیشت که آب (آبرو) شیرین چوبخندی برود از شکرت

شیرین: ایهام ۱- زیبا و شیرین ۲- نام معشوقه شکر: ایهام تناسب ۱- استعاره از سخن زیبا و لبان زیبا که مدنظر است

۲- نام معشوقه ی خسرو پرویز که با شیرین ۰ دوم) تناسب دارد.

۶۵- خسرو آن است که چون ملک وصال دریافت لعل شیرین تو را دید و شکر گرد آورد

خسرو: ایهام تناسب ۱- پادشا و این معنا مدنظر ۲- خسرو پرویز و در این معنا تناسب با شیرین و شکر نام دو معشوقه // شیرین: ایهام تناسب ۱- در معنای مزه شیرین مدنظر ۲- در معنای نام معشوقه تناسب با خسرو پرویز و فرهاد // شکر ایهام تناسب ۱- در معنای نام ماده ای شیرین مدنظر ۲- در معنای معشوقه خسرو پرویز تناسب با شیرین و خسرو

۶۶- نظر لطف مهر و مه کم کاسه مجوی خواب آسودگی از چشم نگهبان مطلب

مهر: ایهام تناسب ۱- خورشید و مدنظر ۲- مهربانی که در این معنا با لطف تناسب دارد.

۶۷- تا دور از آن لب شکرین همچو نی شدیم ترجیع بند ناله بود بند بند ما

دور از آن : ایهام ۱- دور از اوباد ۲ - بخاطر دوری و هجران

- ۶۸- چه سود نرگس سرمست را نصیحت بلبل  
هزار: ایهام: ۱- عدد هزار ۲- بلبل
- ۶۹- دلی کز خرمن شادی نشد یک دانه اش حاصل  
بو: ایهام ۱- آرزو و امید ۲- رایحه و بو و عطر
- ۷۰- در پرده از ناراستی ساز مخالف می زنی  
عشاق: ایهام ۱- اصطلاحی در موسیقی ۲- عاشقان
- ۷۱- همه فدای تو کردند جان شیرین را  
شاهد: ایهام ۱- زیبارو ۲- شاهد و گواه
- ۷۲- خط عذار یار که بگرفت ماه از او  
بگرفت: ایهام ۱- خسوف ۲- خط گرفتن: الگو گرفتن
- ۷۳- چو غنچه بر سرم از کوی او گذشت نسیمی  
بو: ایهام ۱- رایحه ۲- آرزو
- ۷۴- گفتمی که تا نزد تو دورم چگونه ای  
دور از تو: ایهام ۱- دور از جان تو باد ۲- به خاطر دوری و هجران تو
- ۷۵- زسوز شوق، دلم شد کباب، دور از تو  
دور از تو: ایهام ۱- دور از جان تو باد ۲- به خاطر دوری و هجران تو // مدام: ایهام تناسب ۱- پیوسته و این معنا مدنظر ۲- شراب
- ۷۶- مجنون رخ لیلی چون قیس بنی عامر  
مجنون: ایهام تناسب ۱- در معنای دیوانه مدنظر است ۲- در معنای مجنون عاشق لیلی با لیلی و قیس تناسب دارد.  
شیرین: ایهام تناسب ۱- مزه شیرین و همچنین زیبا مدنظر ۲- در معنای نام معشوق با خسرو پرویز و فرهاد تناسب دارد.
- ۷۷- باز آکه در هوایت خاموشی جنونم  
هوا: ایهام ۱- دوست داشتن ۲- آرو
- ۷۸- تا وارهی از دم ستوران  
دم: ایهام ۱- کنار ۲- سخن  
در این معنا با خوردن تناسب دارد.
- ۷۹- گفت باید تا تورا تا خانه ی قاضی برم  
گفت روصبح آی قاضی نیمه شب بیدار نیست
- بیدار: ایهام ۱- هوشیار ۲- خواب مقابل بیدار
- ۸۰- با محتسبم عیب مگوئید که اونیز  
مدام: ۱- شراب ۲- پیوسته
- چه شاهدهی تو که بهتر زجان شیرینی  
شیرین (دوم) ایهام: ۱- شیرین و خوب ۲- نام معشوقه
- خوش حلقه ای است لیک به در نیست راه از او  
که پرده بردل خونین به بوی او بدریدم
- دور از تو آن چنان که منم هیچکس مباد  
مدام خون جگر می خورم زخوان فراق
- پیوسته چوما در طلب عیش مدام است

از گردش قرن ها پس افکند

۸۱- تو قلب فسرده ی زمینی

فسرده: ایهام ۱- منجمد ۲- افسرده و ناراحت

۸۲- گرچه بیرون تیره بود و سرد همچون ترس //قهوه خانه گرم و روش بود ، همچون شرم

سرد: ایهام ۱- سردمقابل گرم ۲- نامهربان -صمیمی نبودن //گرم: ایهام ۱-مقابل سرد ۲- صمیمی

۸۳- سایه ای را دید/اوشغاذ نابرد بود

نابردار: ایهام ۱- برادر ناتنی ۲- ناجوانمرد

۸۴- قصه می گوید که بی شک می توانست او گرمی خواست // که شغاد نابردار را بدوزد // همچنان که دوخت...

نابردار: در عبارت هشتاد و سه توضیح داده شد.

۸۵- هرآن دل را که سوزی نیست دل نیست دل افسرده غیر از آب و گل نیست

افسرده: ایهام ۱- بی جان و افسرده ۲- یخ زده

۸۶- ترسم تو را ببیند و شرمندگی کشر یوسف بگو که هیچ نیاید برون ز چاه

ترسم: ایهام ۱- می ترسم ۲- یقین دارم